

حکمتیست ۱۳۵

۳۱ اکتبر ۲۰۱۶ - ۱۱ آبان ۱۳۹۵
دوشنبه ها منتشر میشود

حلب در آتش و خون!

فوار عبد اللهی

حیرت آور است که چگونه رقابت قدرت های امپریالیستی و زیر مجموعه های مرتجع محلی آنها برای تکه پاره کردن خاورمیانه و به این اعتبار قضای شهرندان این خطه خود را در حلب به نمایش گذاشته است. شرم آور است که چگونه میدیای بی شرافت بورژوازی روز روشن و در مقابل چشم جهانیان، یکی عملیات نظامی روسیه و بمباران های دولت اسد را مقرر میداند، آن یکی حمایت آمریکا از یورش های دسته جات محلی به مواضع دولت اسد؛ و نهایتا توجیه بدست با بارش بمب و توپ و تیر بر سر مردم بی پناه، به کل کل شان ادامه می دهند. هدف از این توحش چیست؟ "آزادسازی" سوریه؟ این نوع بهانه ها را دیگر حتی رسانه های سرسپرده طرفین نیز جدی نمیگیرند. هدف واقعی این جنگ ربطی به این نوع "نیات خیر" ندارد. طرفین این جنگ برای تقسیم رهبری جهان پس از فروپاشی نظم نوین آمریکا به جان مردم محروم و بی دفاع خاورمیانه افتاده اند. اینها برای تشبیت سرکردگی شان بجز زور نظامی علیه مردم راه دیگری ندارند. و "طبیعی" است جنگشان باید به یک شوی تمام عیار از برخ کشیدن قدرت نظامی به همدیگر و به جهانیان تبدیل شود. هدف تقسیم خاورمیانه است و خود جنگ بیش از نتیجه آن به تامین این هدف خدمت میکند. توحش و عدم پایبندی به معیارهای انسانی و حقوقی جزء عوارض جنگهای این دوره نیست، که جزء لازم و ذاتی آنست. میخواهند مردم را به توحش سرمایه داری عادت دهند. از آمریکا و متحدین اش در منطقه تا جبهه روسیه، اسد و ایران شرکای این جنایات جنگی علیه مردم حلب و منطقه اند. اگر سلاخی انسانها و براه انداختن جنگ های قومی - مذهبی پاسخ کمپ رقابت دولتهای سرمایه برای حل بحرانهاست پاسخ طبقه کارگر تنها یک انقلاب کارگری و کمونیستی برای برچیدن جهان وارونه سرمایه داری است.

آزادی موصل یا توحش افسارگسیخته مجرمان جنگی!

قالر حاج ممدی

جنگ موصل برای آزادی مردم و نجات آنها از بختک داعش نیست. اینرا دولت آمریکا و متحدینش بهتر از هر کسی میدانند. حمله به موصل مانعند بسیاری از جنگهای دیگر در یکی دو دهه اخیر با اهداف مشخص و به بهانه مبارزه با داعش به بشریت قالب میشود. داعش بهانه است و "ناجیان" مردم موصل از خود آمریکا تا ترکیه و عربستان و قطر، از جمهوری اسلامی تا دولت عراق و نیروهای زیر دست آنها، خود دست کمی از داعش ندارند. داعش بهانه است و در پشت صحنه سازی فریبکارانه مبارزه با تروریسم اهداف درازمدتری خوابید است که امروز به نام مبارزه با داعش در این جنگ تلاش میشود تعیین تکلیف شوند. جنگ موصل و سیل بمب و هواپیما و بمب افکنهای وسیعی که به این منطقه گسیل کرده اند با هدف تعیین تکلیف جنگی است که چند سال است میان قدرتهای اصلی جهان و دولتهای منطقه در کل خاورمیانه در جریان است. این جنگ برای تعیین حد و مرز هر کدام و قلمرو نفوذ آنها در عراق، در

منطقه و در کل جهان است. خاورمیانه مرکز این جنگ و میدان این تعیین تکلیف است و مردم منطقه در این میان قربانیانی هستند که خود هیچ نقشی در سرنوشت جهنمی که برای آنها رقم میزنند، ندارند. آنچه شرکت کنندگان در این جنگ برای خود گذاشته اند نابودی کامل شهر موصل و کشتار مردم آن است. این تقریبا مورد اعتراض هیچکدام از دولتهای درگیر نیست. اگر بود صدای کسی در می آمد و اگر چنین نبود بحث آورگان و نجات مردم موصل در نقشه این کشتار و بمباران جایی داشت. آنها و بعد از شروع جنگ و یک سال آماده سازی برای آن، ریاکارانه از زبان سازمان ملل میگویند، تلاش برای تامین امکان زیست ۶۰ هزار آواره در جریان است! در شرایطی که امکانات تسلیحاتی، بمب و راکت و هر نوع سلاح پیشرفته جنگی برای کشتار ۶۰ میلیون انسان آماده است. هیچ دولتی حتی دولت مرکزی عراق برای خود نگذاشته است که مشکل آورگان جنگ را به عهده بگیرد و هیچ راه و امکانی برای نجات آنها در برنامه "ناجیان" مردم موصل و "قهرمانان مبارزه با داعش" نیست. ... صفحه ۲

در حاشیه یک میزگرد با هویت قومی و مذهبی!

مظفر ممدی صفحه ۳



دست جریانات مذهبی، قومی و ملی از زندگی ما کوتاه!

وریا نقشبندی

ظاهرا زیر بار جنبش اسلامی و اسلامیت رژیم خفه شده بود و از هر فرصتی برای ابراز وجود استفاده میکند، امروز در یک تکاپوی حقیرانه در کالبد "آریایی" خود میدمد تا بتواند بارقه ای از خلوص نژادی را در خود بیابد و برتری خود را به رخ بکشد و رنگ فاشیستی جنبش خود را بر هویت و زندگی و مبارزه مردم علیه استبداد و خفقان حاکم بر جامعه بزند. کل تاریخ این تکاپو و علم کردن نژاد برتر در ایران به صد سال هم نمیرسد. ... صفحه ۴

هفته گذشته دو واقعه زنگ خطری جدی را به صدا در آورده است. یکی تحرک ناسیونالیستهای عظمت طلب ایران بر سر قبر کورش و دیگری تقاضای "اهل سنت" برای داشتن وزیر در دولت.

اول تحرک ناسیونالیسم عظمت طلب ایرانی و پان ایرانیسم در ایران که روی برتری نژادی ضد عرب و افغان و ترک و غیره استوار است؛ نمیتوان این اتفاق را جدی نگرفت. روح سرگردان این عظمت طلبی که

آزادی
برابری
حکومت کارگری

آزادی موصل یا...

مسابقه برای شرکت در این کشتار وسیع از جانب همه دولتها مستقیم و غیر مستقیم در جریان است.

مردم در بمباران موصل در ابعاد وسیع کشتار میشوند و کل خانه و کاشانه و امکانات آنها، تمام پل و راهها و مراکز کاری، صنعتی، خدماتی، آموزشی و درمانی و هر نوع آثار تمدن در این شهر از بین میرود. قرار است بعد از نابودی موصل، جانیان در فردای این توحش آگاهانه و از روی نقشه، مدال پیروزی را به سینه بزنند و به عنوان ناجیان بشریت و قهرمانان مبارزه با تروریسم بر مردم جهان منت بگذارند.

موصل را ویران شده از دست داعش بیرون میاورند اما داعش از بین نمیرود. راه مبارزه با داعش کشتار مردم موصل و بمباران محل زندگی آنها نیست. کافی است دولتهای غربی گوش عربستان و ترکیه و قطر را بدلیل کمک همه جانبه به داعش بپیچانند و کافی است خود از سازمان دادن انواع باندهای تروریستی مثل داعش و النصر و ... برای مقابله با مخالفین خود دست بردارند. برای مبارزه با داعش لازم نیست سومین شهر بزرگ عراق با خاک یکسان شود و مردم آن زیر آوار دفن شوند. این جنایت عامل رشد انواع داعشهای دیگر در منطقه است. مردم مستاصل در چنین شرایطی از سر ناچاری و از سر نفرت طعمه هر جریانی جنایتکار ضد ناتو و متحدینش خواهند شد. مبارزه با داعش کار سازندگان آن نیست. برای مبارزه با تروریسم باید عوامل و شرایط رشد آن را نابود کرد. با تروریسم غرب و متحدین او نمیتوان تروریسم را از بین برد. آمریکا و دولتهای حامی، ترکیه و عربستان و قطر و اسرائیل، روسیه و ایران و دولت عبادی و بارزانی، خود منشا تروریسم در کل منطقه هستند. با تروریسم دولتی و با بمباران و خانه خراب کردن مردم در سوریه و عراق و هر جای دیگر از دنیا نمیتوان سرچشمه ترور را خشکاند. حمله به موصل و حلب و ویرانی شهرهای مختلف خاورمیانه توسط این دولتها، سرچشمه انواع تروریسم و رشد ترور نه تنها در خاورمیانه بلکه در کل جهان است. تجربه عراق و کشتار وسیع مردم

و جنایاتی که ناتو در این مملکت مرتکب شد، در غیاب یک جنبش قوی انسانی و ضد اشغال به جریانات جنایتکار و تروریستی فرجه داد تا به نام مبارزه با اشغال، سربازان جنگی خود را از آنان بگیرند و عروج انواع مقتدا صدها نتیجه این ماجرا است. جنایات در لیبی و موج آوارگی و حاکم کردن دسته جات تروریسم به کمک غرب و به نام مبارزه با دیکتاتور، نابودی شهرهای سوریه و کشتار و آوارگی میلیونی مردم، بزرگترین زمینه ها را برای رشد تروریسم در کل منطقه آماده کرده است. افسار کردن تروریسم آمریکا و متحدینش و مقابله با کشتار وسیع مردم موصل اولین قدم در راه مقابله و افسار کردن تروریسم است.

مبارزه با داعش و بیرون راندن آن از موصل و هر شهر و شهرک دیگر عراق از عهده مردم عراق برمی آید به شرطی که متحدین غرب در منطقه داعش را از هر نظر حمایت نکنند. بعلاوه هیچ کسی در هیچ جای دنیا مانع حمله هیچ دولت و جریانی به داعش نشده است. نفس جنگ علیه داعش را هیچ کس مورد گله گزاری قرار نداده است. اما بمباران مردم موصل و منطقه توسط سربازان تروریسم دنیا و در راس آنها دولت آمریکا را نمیتوان به نام جنگ با داعش به فروش رساند. داعش فرزند ناخلف آمریکا است که در دوره ای افسار پاره کرده و مدعی حاکمیت و مملکت شده است. داعش با حمایت متحدین غربی تاکنون روی پا ایستاده است.

مردم عراق حتی بعد از بیرون راندن داعش از موصل روی آرامش را بخود نخواهند دید. داعش حداکثر و با هر تلفاتی از موصل خارج میشود و به جای دیگری نقل مکان میکند و یا به کمک دولتهای ترکیه و عربستان و ... به کشور دیگری منتقل میشود. اما برای مردم عراق و منطقه این هنوز شروع دوره ای دیگر از جدال انواع دولتها و جانورانی است که به نام مبارزه با داعش و این بار با مدال پیروزی بر داعش در موصل، سهم میخوانند. دولتها و جریاناتی که مردم عراق را به نام سنی و شیعه، کرد و عرب و ترکمن و ... تقسیم بندی کرده اند و با تبلیغات وسیع و تحریکات چندین ساله آنها را دشمن همدیگر کرده اند.

جریاناتی که از قبل این دشمنی و کشتار مردم بدست همدیگر جیهایشان را پر میکنند و هر کدام در گوشه ای از عراق سر کرده مردم محروم و ستمدیده صاحب قدرت و صدارتی شده اند و هر کدام منتظر وسعت دادن به منطقه زیر نفوذ و حاکمیت خود هستند. دولت عبادی همراه ارتش و نیروی جنایتکاری به نام حشدالشعبی خود را "نماینده شیعیان" و تاجدار کل عراق میداند. آقای بارزانی و دولت اقلیم به نام حق "مردم کرد" و با تحریکات ضد "عرب"، خواهان پیوستن مناطق دیگری به دایره زیر فرمانروایی خود است. گروههای قومی و مذهبی به نام سنی و عرب نیز خواهان سهم خود زیر پرچم "سنی ها و عربهای" عراقند. جدال این جریانات برای سهم هر کدام و نفاق عمیقی که میان مردم باد زده اند و جنایاتی که علیه مردم محروم منتسب به این دین و آن ملت مرتکب شده اند، در غیاب یک جریان قوی و دخیل کمونیستی و آزادیخواهانه که با پرچم همسرنشستی کل مردم محروم عراق، علیه این جانوران قد علم کرده و نقش جدی ایفا کند، زمینه را برای جنگهای صلیبی در کل عراق مهیا کرده است.

بنظر میرسد بعد از جنگ موصل و فضایی که ایجاد کرده و نفاق عمیق و کور ملی و مذهبی که به جامعه تحمیل کرده اند، مردم عراق نه تنها در چهارچوب یک کشور و در کنار هم امکان زیست مشترک برایشان ندارند، بعلاوه و متأسفانه خطر جنگهای قومی و فرقه ای نیز یک تهدید بزرگ برای آینده آنها و حتی کل منطقه است.

مستقل از اینکه موقعیت نیروهای کمونیست و آزادیخواه، موقعیت مردم شرافتمند و سکولار و متمدن در این میدان چه هست، دفاع از حقوق اولیه مردم، دفاع از سکولاریسم و مقابله با تقسیم بندی های قومی و مذهبی اولین وظیفه کل این صف است. شکل دادن به هر جریان بانفوذ و عبور دادن مردم عراق از این مرحله تنها وقتی ممکن است که صفی متحد و یکپارچه همین امروز علیه کشتار مردم موصل و در دفاع از آنها و در ادامه در مقابل هر جریان و حاکمیتی که بخواهد بر اساس هویتهای کاذب ملی و مذهبی و فرقه ای مردم را در

مقابل هم قرار دهد و آنها را به دشمن همدیگر تبدیل کنند شکل بگیرد. مستقل از اوضاع عراق و خاورمیانه و آینده آن ابعاد این توحش نه به موصل و عراق و نه به خاورمیانه محدود نخواهد ماند، همچنانکه تا کنون هم محدود نمانده است. مستقل از رشد جریانات تروریستی در کل جهان در اثر سیاستهای امپریالیستی و آنچه دولتهای بزرگ جهان و متحدین آنها به مردم خاورمیانه تحمیل کرده اند، یک بعد این ماجرا در خود غرب رشد احزاب دست راستی، رشد راسیسم و خارجی ستیزی در کشورهای غربی است.

بعلاوه تحت نام مسئله امنیت و به بهانه مبارزه با تروریسم و مدالهایی که دول غربی در این زمینه به سینه زده اند، در عین حال ادامه تعرض همه جانبه سیاسی و ایدئولوژیک به دستاوردهای طبقه کارگر و مردم متمدن در خود اروپا از جانب آنها یکی از مختصات این دوره است. این اتفاقی نیست که با جنگ موصل شروع شده باشد، بلکه و بعلاوه در کل پروسه چند سال گذشته و همراه تحمیل جنگ به مردم خاورمیانه این تعرض نیز در ابعاد بزرگی در جریان بوده است. میدیای رسمی دولتهای غربی در این دوره نیز در ابعاد همه جانبه ریکارانه در مهندسی افکار و کور کردن بشریت متمدن و مخفی نگه داشتن اهداف پلید دولتهای غربی و دول منطقه به نام مبارزه با تروریسم، به عنوان بخشی از ماشین جنگی نقش داشته اند. قطعاً بیان حقایقی که پشت مبارزه با "تروریسم" این دولتها خوابیده است و تلاش برای شکل دادن به صفی علیه تعرض راست و علیه حمام خونی که در خاورمیانه راه انداخته اند و علیه تعرض آنها به دستاوردهای بشریت در خود غرب یک وجه کار هر نیروی متمدنی در این دوره است. بشریت به یک بیداری در مقابل تعرض راست در خود غرب احتیاج دارد. چیزی که در دوره جنگ ویتنام شاهد آن بودیم و چیزی که در دوره حمله دولت آمریکا و انگلستان و متحدینشان به عراق شاهدش بودیم و چیزی که در این دوره و جنگ خاورمیانه متأسفانه زیر سایه سنگین تبلیغات ریاکارانه "مبارزه" با تروریسم اسلامی خفه اش کرده اند.

مرکب بر جمهوری اسلامی! زنده باد سوسیالیسم!

در حاشیه یک میزگرد با هویت قومی و مذهبی!

مظفر مومری



اخیرا رهبران احزاب اپوزیسیون کرد (مصطفی هجری رهبر حزب دمکرات کردستان ایران، خالد عزیزی رهبر حزب دمکرات کردستان، ابراهیم علیزاده رهبری کومه له حزب کمونیست ایران، عبدالله مهتدی از سازمان زحمتکشان و عمر ایلخانیزاده به دعوت یک نهاد در شهر اربیل (MER) کردستان عراق در پانلی گرد هم آمدند. در ماه های اخیر تحرکاتی در ابعاد سراسری در داخل و خارج کشور راه افتاده است. جناح های مختلف بورژوازی ایران در داخل و خارج مشغول ابراز وجودند. از جمله، کنگره مجاهدین خلق، میزبان مامور اطلاعات عربستان سعودی بود. حزب دمکرات کردستان ایران با وساطت بازرانی، با ماموران اطلاعاتی عربستان سعودی در اربیل نشست مخفیانه داشت، نماینده به حج فرستاد و به نیابت عربستان سعودی جنگ مسلحانه برپا کرده است. پان ایرانیست ها در تخت جمشید سالگرد تولد کورش کبیر را جشن گرفتند. و فاشیست های ایرانی کمپینی در مدیای مجازی راه انداخته اند. و بالاخره رهبران سازمانهای کرد اپوزیسیون در اربیل پانل اتحاد، ائتلاف یا تشکیل جبهه برگزار کردند. چه خبر است؟

با نگاهی گذرا، ماهیت کل این تحرکات، قومی و مذهبی است. در جای دیگر و به تفصیل باید در مورد کل این تحرکات و ماهیت شان حرف زد. اما مورد معین مورد بحث این یادداشت کوتاه، میزگرد رهبران احزاب ناسیونالیست کرد از چپ و راست است.

این که احزاب ناسیونالیست کرد بارها و بارها بنشینند و از تشکیل جبهه و ائتلاف و امضای پلتفرم مشترک حرف بزنند و حتی به اجرا در آورند بخودی خود قابل بحث نیست. اما با نگاهی به ترکیب شرکت کنندگان در این بحث بر سر تشکیل جبهه یا پلتفرم مشترک می بینیم که از "حدکا"ی مامور جنگ نیابتی عربستان در کردستان،

تا "حدک" خالد عزیزی خواستار کنار آمدن با جمهوری اسلامی تحت نام مبارزه مدنی، زحمتکشان عبدالله مهتدی قوم پرست و فدرالیست و تا سازمان کردستان حزب کمونیست ایران ابراهیم علیزاده را با نقاب کمونیسم و کارگر... کنار هم قرار گرفته اند. تعدادی با آرم کمونیسم و قومگرایی و فدرالیسم و ناسیونالیسم کنار هم نشسته اند و از تشکیل جبهه و ائتلاف و پلاتفرم مشترک حرف می زنند. اهداف و محتوای بحثهای آنها حتی برای خود شرکت کنندگان مطلقا اعتباری ندارد. این نشست کسانی است که در اوج بی افقی سیاسی و استراتژیک، دنبال راه برون رفت با ایجاد جبهه و پلاتفرم مشترک می گردند. کاری که خود از پیشی، نه به آن امید و باور دارند و نه به همدیگر اعتماد می کنند. چرا نشسته اند، باید خودشان جواب دهند.

اما بحث من و مخاطب من کارگران کمونیست و سوسیالیست ها و آزادیخواهان کردستان است که چرایی به رهبری ابراهیم علیزاده با پرچم و آرم آنها در این نشست شرکت کرده است.

علیزاده به رقبای ناسیونالیست و فدرالیست و قوم گرا و مذهبی خود می گوید مشکل، نداشتن استراتژی و تاکتیک است. در اینجا از علیزاده باید پرسید که کدام استراتژی و تاکتیک مد نظر است؟ او از مصطفی هجری گلایه دارد که چرا مبارزه مسلحانه را شروع کرده بدون این که از قبل با خود او و بقیه، سر استراتژی و تاکتیک های این مبارزه مشورت یا توافق کرده باشد. بگذریم که علیزاده بر سر ماهیت این جنگ نیابتی سکوت می کند و خود را به نفهمی می زند. مصطفی هجری می گوید من مبارزه مسلحانه ام را شروع کرده ام و منتظر شما نشدم چون نمی توانم به انتظار بحثهای دور و دراز بنشینم که فرصت از دست می رود. این هم ادعای ریاکارانه و دروغی بیش نیست. فرصت برای حدکای مصطفی هجری، نه

منفعت مردم کردستان و حتی بورژوازی ناسیونالیست کرد در کردستان ایران است که با او مخالفتند، بلکه استفاده از فرصتی است که تخاصم میان عربستان و ایران فراهم کرده است و هجری می خواهد از آن بهره برداری کند و حزیش را تقویت کند، غافل از آن است که جنگ نیابتی او به نفع عربستان، اگر پولی به خزانه و سلاحی به انبار بدون مصرف حزیش بریزد، اما آبرو و حرمتی در جامعه کردستان سهل است، بلکه حتی در میان بورژوازی کرد که او می خواهد نمایندگی شان کند، برای او نمی خرد. این پروژه بر اساس معامله ای کثیف است که بر پیشانی حدکای هجری بخواد نخواهد، مهر مزدوری میزند.

و در این میان حزب ابراهیم علیزاده است که با نقاب طرفداری از کارگر و زحمتکش با این طیف از جریانات قومی و مذهبی و ناسیونالیستی مدام در حشر و نشر است. دیروز در کنگره ملی کرد، در کرسدوره های رفت و آمد و مهمانی و خوش ویش با آنها و امروز در میزگرد اتحاد و جبهه و ائتلاف و پلاتفرم مشترک!

معلوم نیست این چه کمونیسم و سوسیالیسمی است که در هر قالبی می گنجد. در قالب کنگره ملی کرد، در قالب دیپلماسی و لاس زدن با ناسیونالیست ها، در قالب بحث بر سر جبهه و ائتلاف و پلاتفرم مشترک بر اساس هویت قومی و سنی گری!! هر کمونیست و سوسیالیست و کارگر و زحمتکش و آزادیخواهی در کردستان حق دارد از ابراهیم علیزاده پرسد. اگر بحث بر سر ائتلاف و جبهه و پلاتفرم مشترک شما با احزاب قومی و مذهبی به نام کمونیسم و سوسیالیسم و کارگر می گنجد، حتما این نسخه برای کمونیست ها و کارگران کردستان هم جایز است. بر اساس این سیاست، کمونیست ها و کارگران باید بروند با جبهه متحد کرد، فراکسیون نمایندگان کرد مجلس، اصلاح طلبان کرد و با کارفرماها و بورژوازی کرد جلسات و میزگرد بر سر همین مسایل بگذارند و استراتژی و تاکتیک معین و مشترک تعیین کنند، پلاتفرم مشترک امضا کنند و الی آخر!

اما اگر بحث بر سر صف مستقل کارگری و کمونیستی و آزادیخواهی در کردستان است

اگر بحث بر سر نفی هویت قومی و مذهبی است، آنوقت علیزاده و حزیش باید آرم و شعار کمونیسم و کارگر را از سینه بکنند و دور بیندازد. شترسواری دولا دولا نمی شود. نمی شود پای در کمونیسم داشت و پای دیگر در ناسیونالیسم و هویت قومی - مذهبی. این سیاست نشان میدهد که حزب علیزاده به ایجاد صف مستقل کمونیستی و کارگری در کردستان نه اتکا دارد و نه باور! دنبال راه های دیگری است. راه آویزان شدن و حرمت و مشروعیت دادن به هویت قومی و مذهبی. به نام کمونیسم و کارگر مدام با ناسیونالیست ها و قوم پرست ها و فدرالیست های قومی و مذهبی عکس گرفتن، جز خاک پاشیدن به چشم کارگر نیست. هیچ مرزی وجود ندارد. این سنت ناسیونالیسم چپ است و سابقه تاریخی هم دارد. زمانی در اتحادیه میهنی جریانی به نام سوسیالیسم و کارگر، خواهان تشکیل حزب سراسری عراق (عراقچیتی) است. این جریان صرفنظر از اینکه مقدر به کمونیسم و سوسیالیسم ربط داشت، نهایتا تسلیم اتحادیه میهنی طالبانی شد.

نقشی که امروز علیزاده بر عهده گرفته است شباهت زیادی به نقش ملابختیار و نوشیروان مصطفی در اتحادیه میهنی دارد. کومه له رنجبران کردستان عراق و رهبرانش امروز دیگر حتی در جناح چپ ناسیونالیسم کرد قرار ندارند و تماما در قدرت و ثروت با ناسیونالیست های دیگر شریک اند. در همه این سالها و در غیاب کمونیسم و کارگر آگاه و متشکل، سر کارگر و زحمتکش کرد بی کلاه مانده است.

اگر حزب و جریان ابراهیم علیزاده به کمونیسم و کارگر متکی بود، می بایست اتحادیه ۶ هزار نفری کارگران فصلی و ساختمان فقط در سنجند و ۴ هزار نفر در سقز و ۲۰۰۰ نفر در مریوان و... بجای چپ و راست شدن توسط اداره کار و خانه کارگر توسط این جریان، رهبری و هدایت می شد.

سر خم کردن در مقابل هویت قومی و مذهبی جریان علیزاده، آشکارا نشان می دهد که میلیون ها کارگر در کردستان در کارخانه ها و کارگاه ها و کوره های آجرپزی و خبازان و قالیبافان و شهرک های صنعتی و در صفوف کارگران فصلی و ساختمانی و بیکار و تعداد زیادی از رهبران و فعالین کارگری و نهادهای مدنی رادیکال، موضوع کار و سازماندهی و ایجاد صف مستقل کارگری و غیرقومی و غیر مذهبی این جریان نیست.



قدرت طبقه کارگر در حزب و تشکل اوست!

دست جریانات مذهبی...

تلاش رضا پهلوی برای شکل دادن به یک ایران با حکومت و ملت یکپارچه، که قلب آن در تهران به عنوان پایگاه سیاسی و اقتصادی شناخته شد، سر منشاء شکل دادن به تحرکات نژاد پرستانه در ایران بود. این تمام تلاشی بود که بورژوازی ایران با تاکید بر هویت ملی و منتسب کردن تاریخ این "ملت عظیم" به شاهان قبل از اسلام از جمله کوروش بسرانجام رساند؛ ناسیونال-فاشیسمی که ریشه مشترک "نژاد آریایی" آن به نزدیکی رضا پهلوی به هیتلر در جنگ جهانی دوم منجر شد. جشن های دوهزار و پانصد ساله سبیل این "افتخارات ملی" نه فقط به "ملت ایران" که به شاهان عهد عتیق و دامن زدن به ناسیونالیسم عظمت طلب ایرانی علیه ترک، عرب و غیره در ادبیات و فرهنگ ایران بود. برتری "نژاد آریایی-ایرانی" که مترادف بود با ضدیت و تحقیر اعراب، در ادبیات و فرهنگ ایران توسط روشنفکران و نویسندگان بازتولید گردید و تبدیل به نقل و نبات جمع و محفل ناسیونالیست های ایرانی شد.

اکثر قریب به اتفاق روشنفکران وطنی آن دوره تا شاعر، ادیب و سیاستمدارش هم جهت با حکومت پهلوی متفق القول در روح این ناسیونالیسم دیدند و بر عرب و ترک و افغان تاختند و تحقیر کردند. فرهنگی گنبدیده و ضد انسانی که تا به امروز و علیرغم تلاش جمهوری اسلامی در زدن هویت اسلامی به جامعه کماکان به حیات خود ادامه داده است. نیاز بورژوازی ایران به هویت ملی کل این صف از دم و دستگاههای حکومتی امروز تا تتمه شاه پرستان از قدرت

ساقط شده دیروز را در نشان دادن "یک ایران برتر" که مرکز ثقل تاریخی فرهنگ و تمدن جهان بوده، را در راستای تقویت یک هویت ساختگی بود که فاشیسمی آمیخته با مذهب یا بدون مذهب از آن در کنار هم قرار داد. یکی آن را آمیخته با فرهنگ اسلامی در بوق و کرنا میکند و از آن ایران اسلامی را بیرون میکشد و دیگری با تقدس آب و خاک این سرزمین و سرود "ایران ای سرز پر کهر"، مانند فاشیستهای آلمانی برتری نژاد ایرانی را در بوق و کرنا کردند. اگر فاشیسم هیتلری در جنگ جهانی دوم شکست نمیخورد و رضا پهلوی بعنوان متحد او کنار گذاشته نمیشد، ناسیونالیستهای عظمت طلب ایرانی همان بلایی که هیتلر بر سر کمونیستها و یهودیان آورد بر سر "اعراب" می آورد.

از اینرو آنچه امروز شاهد آنیم و تحرکات اخیر رعد و برق در آسمان بی ابر نیست. خراب کردن خانه و کاشانه افغانها در شهرهای مختلف ایران، ممنوع کردن افغانها از خرید مواد غذایی در فروشگاهها، محروم کردن کودکان افغان از حق تحصیل، گماشتن کارگران افغان به سختترین کارها با نصف دستمزد یا حتی کمتر از حقوق پایه ای یک کارگر در ایران، تا ضدیت با اعراب به مثابه قومی پابرنه جنبه هایسی از تعرض ناسیونالیستهای عظمت طلب میباشد که در این سالها به این مردمان روا داشته اند. جواز این تعرض و گنده دماغی پان ایرانیستها نسبت به عرب، بلوچ، افغان و ترک چه در دوره پهلوی و چه در دوره حکومت اسلامی از طرف حاکمیت از قبل صادر شده است؛ بهمین دلیل است که

ناباور است.

این را کارگران کردستان و کمونیست ها باید بدانند و اجازه ندهند کسی یا جریانی به نام کمونیسم و کارگر حرف بزند اما به دریوزگی بارگاه ناسیونالیسم و قوم پرستی و سنی گری برود. اگر گرایشی کمونیستی در درون کومه له حزب کمونیست ایران باقی مانده است، می بایست سیاست بورژوازی و ناسیونالیستی و مذهب صفوف جریان خود را به چالش بکشد و در مقابلش سد ببندد.

در حاشیه یک میزگرد...

اگر این جریان به این صف معتقد بود و باور داشت نیازی به کنکره ملی کرد یا پلاتفرم مشترک با هویت قومی و مذهبی نداشت! دلیل پلکیدن با ناسیونالیست ها و قوم پرستان و نیروی جنگ نیابتی در کردستان، معنایی جز این ندارد که این جریان بیربط به کارگر و زحمتکش و صف رهبران و فعالین کارگری و کمونیست در کردستان و به آن

اینچنین عریان علیه افشار دیگر جامعه با زبان و گویش های مختلف شعار فاشیستی سر میدهند و شعر و ادبیات تولید میکنند. بعلاوه رشد جریانات قومی و مذهبی در خاورمیانه، تقویت "هویت ایرانی" از طرف جمهوری اسلامی در کشمکش با غرب، بالا گرفتن اختلافات جمهوری اسلامی با عربستان در چند سال اخیر زمینه رشد ناسیونالیسم عظمت طلب ایرانی و فرهنگ عرب ستیزی را فراهم کرده است. اگر ناسیونالیستهای قومی به نام کرد و ترک و عرب و بلوچ علیه "فارسیها" ابراز وجود میکنند ناسیونالیسم عظمت طلب ایرانی به کاندید بهتری از رضا پهلوی و رژیم سلطنتی که مردم علیه آن انقلاب کرده و به زیر کشیدند، به "پیامبری والا تر" و "خوشنام تر" نیاز دارد و ظاهراً "کوروش کبیر" بهترین کاندید شان است. چرخش جمهوری اسلامی به سمت ناسیونالیسم ایرانی عملاً میدان را برای تحرکات تازه این جنبش مهیا کرد. بخصوص که امروز جمهوری اسلامی در جدال با عربستان سعودی به ناسیونالیسم ایرانی برای تقویت روحیه ضد عرب در ایران نیاز دارد. جنبشی که مانند هر جنبش ارتجاعی دیگری فقط بر متن نفرت قومی میتواند رشد کند.

واقعۀ دوم تقاضای مثنی مرتجع به نام نمایندگان "اهل سنت" است که خواهان انتصاب نماینده یا نمایندگانی از سوی "اهل سنت ایران" در کابینه دولتی روحانی هستند. در مقابل جمهوری اسلامی که خود را نماینده "شیعیان" نه تنها در ایران بلکه در منطقه معرفی میکند، یک مشت دایناسور عهد عتیق که بر متن قومی و

تلاش ما کمونیست های کردستان این است که نقاب از چهره هر جریانی که به نام کمونیسم حرف می زند ولسی در عمل سیاستهای قومی - سنی گری را نمایندگی می کند برداریم. "نه قومی، نه مذهبی، زنده باد هویت انسانی" جواب هر تحرک ناسیونالیستی، قوم پرستانه و سنی گری در کردستان است. ایجاد صف مستقل کارگری و کمونیستی و آزادیخواهی و برابری طلبی امر دایمی و فوری ما است.

مذهبی شدن خاورمیانه سر بلند کرده اند تلاش میکنند با مذهبی کردن فضای جامعه و زندگی مردم و دامن زدن به نفرت مذهبی میان مردم امتیازاتی برای خود کسب کنند. مرتجعینی که آماده ایفای نقش ارتجاعی در پروژه دامن زدن به کشمکشهای قومی و مذهبی از جانب عربستان و ترکیه هستند. باید به این از گور برخاسته گان قومی و مذهبی، از ناسیونالیستهای قومی و ناسیونالیستهای عظمت طلب ایرانی تا فرقه ها و باندهای مذهبی نشان داد که ایران محل تاخت و تاز تقسیم بندی های قومی و مذهبی نیست. کارگران و کمونیستهای این جامعه باید در راس تحرکی انسانی، رادیکال علیه هر باند و دسته و جریانی که قصد دارد جامعه را بر اساس نژاد، رنگ و زبان و نوع مذهب تقسیم بندی کنند و به جان هم بندازند، بایستند. باید این جریانات ارتجاعی را سر جای خود نشانند. هر انسان آزادیخواهی که خود را در این بازی قومی و مذهبی شریک نمیداند، موظف است اجازه کمر راست کردن به قوم و ملت پرستی را ندهد و صف محکمی علیه آن ایجاد کند. باید جامعه ایران را از عواقب شوم این تحرکات آگاه کرد و آنها را از هرگونه برجسب زدن قومی و مذهبی برحذر کرد. ارتجاع قومی و مذهبی جز به تباهی کشاندن جامعه هیچ دستاوردی در هیچ کجای دنیا به ارمغان نخواهد آورد.

جواب طبقه کارگر، بشریت متمدن و مردم آزادیخواه به کل این ارتجاع یک جمله است: دست جریانات مذهبی و قومی و ملی از زندگی ما کوتاه! حزب حکمتیت نماینده تام و تمام این جواب است.

علیزاده و طرفدارانش باید بدانند که در مسابقه و رقابت یا ائتلاف با ناسیونالیست ها و قوم پرستان، پلاتفرم هویت قومی - سنی گری مهتدی و خالد عزیز و حدکای نایب عربستان سعودی، برنده است نه استراتژی و تاکتیک مورد ادعای ابراهیم علیزاده. و این مساله ای است که کارگران و زحمتکشان و صف آزادیخواهی و برابری طلبی زنان و مردان و جوانان در کردستان، نباید اجازه دهند اتفاق بیفتد!

شرایطت حزب حکمتیت

حزب حکمتیت

www.hekmatist.com

سردبیر: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

تماس با حزب

hekmatistparty@gmail.com

نه قومی، نه مذهبی! زنده باد هویت انسانی!